

از هنجارگرایی تا هنجارگریزی:

سنخ‌شناسی همنوایی اجتماعی و تحلیل کیفی شرایط علی موثر بر آن

سهیلا صادقی فسایی^۱، احسان امینیان^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۸ تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۱

چکیده

افزایش نرخ جرایم در سال‌های اخیر در ایران (خصوصاً در شهر تهران)، توجه به موضوع همنوایی با هنجارهای اجتماعی را برجسته کرده است. در این میان، مطالعه شرایط و موقعیت‌هایی که کنش را ایجاد می‌کند (مبتنی بر هنجارگرایی یا هنجارگریزی، بر مبنای روایت کنشگران اجتماعی و ارائه یک سنخ‌شناسی از تیپ‌های همنوایی و یا ناهمنوایی)، حوزه‌ای عمدتاً مغفول مانده در جامعه‌شناسی ایرانی است.

از این‌رو، پژوهش حاضر با اتخاذ روش‌شناسی کیفی و با کاربرست تکنیک مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته و مصاحبه با ۱۹ مرد و زن ساکن در شهر تهران، به دنبال کشف ابعاد گوناگون همنوایی و شرایط علی موثر بر آن از منظر کنشگران اجتماعی است.

نتایج این تحقیق حاکی از آن است که افراد بر اساس «آگاهی معطوف به نظر» از چرایی و دلایل وجودی یک هنجار اجتماعی مطلع شده و بر اساس «آگاهی معطوف به نتیجه» می‌تواند یک امر هنجاری را تشخیص داده و از تبعات رعایت هنجارها و یا تخلف از آنها نیز مطلع شوند. از سوی دیگر افراد در زمان مواجهه با یک هنجار با ارجاع به پیامدهای احتمالی آن (مثبت یا منفی)، تصمیم به کنش می‌گیرند. لذا پیامدنگاری و محاسبه آن از مهمترین عوامل همنوایی با هنجار است.

از یک سو کنش‌های درونی مبتنی بر لذت‌طلبی و یا جامعه‌ستیزی، عدم فرصت‌ها و انسداد راه‌های مشروع جهت دستیابی به اهداف بر همنوایی اجتماعی موثر بوده و از سوی دیگر مقاومت فرهنگی خرده فرهنگ‌های گوناگون در جامعه، مانند خرده فرهنگ جوانان و یا طبقات بالای جامعه با نوعی انحراف و تعارض عامدانه با هنجارهای مسلط همراه است (به منظور به چالش کشیدن قدرت حاکم) که این مسئله میزان همنوایی را به شدت کاهش می‌دهد.

بر این اساس، تیپ‌های گوناگون همنوایی عبارتند از: همنوایی متعهدانه، همنوایی مصلحت‌گرایانه، همنوایی اجبارگرایانه و همنوایی عادت‌گرایانه. تیپ‌های هنجارشکنی نیز عبارتند از: هنجارشکنی غافلانه، هنجارشکنی عامدانه، هنجارشکنی منفعت‌گرایانه، هنجارشکنی اجبارگرایانه و هنجارشکنی عادت‌گرایانه.

کلیدواژه‌ها: همنوایی اجتماعی، هنجارشکنی، محاسبه اجتماعی، کنترل اجتماعی، فشار اجتماعی.

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (ssadeghi@ut.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)

(std_ehsan.aminian@khu.ac.ir)

مقدمه

اگرچه درباره آمارهای مرتبط با جرایم اطلاعات دقیقی در دست نداریم اما گزارش‌های نیروی انتظامی و سایر آژانس‌های مرتبط با کنترل اجتماعی، نشان دهنده افزایش نرخ برخی از جرایم طی سال‌های اخیر در شهر تهران است. این آمار که برای بیشتر شهرهای بزرگ، در مقایسه با سال‌های پیشین روندی صعودی دارد، نشان می‌دهد که آسیب‌های اجتماعی در شهرهای بزرگ کشور به یک مسئله اجتماعی بزرگ تبدیل شده و مستلزم یک توجه و کنترل جدی است. اگرچه اغراق در مورد این آمارها می‌تواند بسیار گمراه‌کننده باشد اما بررسی آنها بدون در نظر گرفتن بستر و زمینه اجتماعی و توجه به ذهنیت سوژه‌های اجتماعی نیز خسارت‌های تحلیلی را به دنبال خواهد داشت.

طرح مسئله

از جمله بسترهای مهم در تحلیل آسیب‌های اجتماعی، هم‌نوایی افراد جامعه (و به طور اخص کنشگران فضای اجتماعی شهرهای بزرگی همچون تهران) با هنجارهای اجتماعی آن جامعه است. به نظر می‌رسد که جامعه و گروه‌های اجتماعی همواره سعی در هم‌نوا کردن افراد با خود دارند و به صورت‌های گوناگون مانند طرد و منزوی کردن، حذف امتیازات اجتماعی حتی تنبیه با افراد ناهم‌نوا برخورد می‌کنند (لواین، ۱۹۸۰ به نقل از کریمی، ۱۳۸۴: ۱۲۱). هم‌نوایی و هنجارگریزی دو روی یک سکه هستند که به دلایل مختلف و متنوعی شکل می‌گیرند. هم‌نوایی از سر اجبار و یا از روی منفعت شخصی می‌تواند تولیدکننده یک نظم شکننده باشد، هرچند که بیان آن در قالب عدد و رقم می‌تواند اغواکننده باشد. از سوی دیگر هنجارگریزی مبتنی بر غفلت می‌تواند شاخصی بر عدم وجود سرکوب مطلق و وجود یک نظم توافقی تلقی گردد. به هر حال بدون دستیابی به درک صحیح از معانی ذهنی که در نزد کنشگران نسبت به هم‌نوایی و هنجارگریزی وجود دارد، به سختی می‌توان از انسجام اجتماعی و ادغام اجتماعی بحث کرد. از این رو در مقاله حاضر به عنوان مهمترین مسئله، شرایط و عوامل موثر بر هنجارگرایی و یا تخطی از هنجارها و قوانین اجتماعی از منظر کنشگران اجتماعی مورد تحلیل اکتشافی و کیفی قرار خواهد گرفت. تا بر اساس آن بتوان به یک سنخ‌شناسی از تیپ‌های هم‌نوایی اجتماعی و همچنین تیپ‌های مبتنی بر هنجارشکنی از کنشگران اجتماعی دست یافت. در راستای مسئله بیان شده می‌توان دستیابی به اهداف زیر را در پژوهش حاضر دنبال نمود: ۱. فهم درک و تصور

کنشگران اجتماعی از همنوایی اجتماعی^۲. فهم انگیزه و قصد کنشگران در همنوایی اجتماعی و سنخ بندی آن^۳. فهم عوامل تسهیل‌کننده و یا بازدارنده همنوایی بنا بر روایت کنشگران.

ملاحظات نظری

معمولاً تحقیقات کیفی بر اساس تئوری‌های رایج صورت‌بندی نمی‌گردند و عمدتاً داده‌محور می‌باشند. اما غیبت تئوری‌های رسمی در تحقیقات اکتشافی به معنای عدم دغدغه‌های نظری و عدم بهره‌مندی از مفاهیم نظری نمی‌باشد. تحقیق کیفی می‌تواند از مفاهیم حساس به عنوان ابزارهای تفسیری و نقطه شروع مطالعه خود بهره برد (گلاسر^۱، ۱۹۷۸؛ پاتون^۲، ۲۰۰۲؛ گیلگان^۳، ۲۰۰۲؛ چارماز^۴، ۲۰۰۳ به نقل از محمدپور، ۱۳۸۹). این مفاهیم به محقق فقط پیشنهاد می‌کنند که چه چیزی را در چه جایی باید جستجو کنند. لازم به ذکر است که از غالب این مفاهیم نظری می‌توان درحین فرآیند جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل داده‌ها بهره برد (محمدپور، ۱۳۹۰: ۳۲۳). برخی از مهمترین این مفاهیم عبارتند از:

***انتخاب عقلانی^۵:** این نظریه به کارآمدترین شیوه دستیابی به یک هدف معین در یک شرایط معین اشاره می‌کند» (کرایب، ۱۳۷۹: ۹۱). نظریه انتخاب عقلانی براساس مفروضات و مبانی زیر بنا شده است: ۱. انسان‌ها موجوداتی دارای قصد و نیت هستند ۲. انسان‌ها سلايق یا منافع خود را بر اساس اهمیت هر کدام از آن‌ها رتبه‌بندی می‌کنند ۳. انسان‌ها درانتخاب روش‌های رفتار از محاسبات عقلانی استفاده می‌کنند (قدیری اصلی، ۱۳۷۶: ۱۰) این محاسبه شامل موارد زیر است:

۱. منافع حاصل از روش‌های جایگزین رفتار، بارجوع به سلسله مراتب امیال و ترجیحات فرد مشخص می‌شود. ۲. هزینه استفاده از هر روش برابر است با صرفه‌نظر کردن از منافع سایر روش‌ها ۳. روشی بهترین است که منجر به حداکثر سود شود ۴. پدیده‌های اجتماعی ناشی از تصمیمات عاقلانه افرادی است که سود خود را به حداکثر می‌رسانند (لیتل، ۱۳۸۱: ۹۸).

*** کنترل اجتماعی^۶:** کنترل اجتماعی شامل هر نوع واکنش جامعه در برابر افرادی است که همونا ساختن آنان را به هر دلیل و دست کم در برخی حوزه‌های رفتاری از طریق جامعه‌پذیری و توسل به راهکارهایی مانند یادگیری و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها ممکن نمی‌بیند.

-
1. Glaser
 2. Patton
 3. Gilgun
 4. Charmaz
 5. Rational Choice Theory
 6. Social Control

*** فشار اجتماعی^۱:** وقتی اهداف جامعه و ابزارهای تأیید شده اجتماعی از انسجام برخوردار باشند اعضای آن جامعه از قدرت برخوردار می‌شوند. فشارهایی که باعث انحراف می‌شود از طریق فقدان انسجام و فقدان سازگاری بین اهداف جامعه و ابزارهای تأیید شده ایجاد می‌شود. بنابراین تأکید قوی برای دستیابی به اهداف و تعهد ضعیف به هنجارهای اجتماعی یا فقدان واقعی فرصت‌ها، فشار برای انحراف را ایجاد می‌کند (پترسون، ۱۹۹۹: ۳۸۲).

*** رفتارگرایی اجتماعی^۲:** مهمترین واقعیت اجتماعی رفتار کنشگران است. طرفداران این نظریه (اسکینر و بالدوین) بر این باورند همه واقعیت‌های اجتماعی (ساختارها، کنش‌ها، روابط اجتماعی، تقابل‌ها...) قابل تقلیل به رفتارهای فردی‌اند. اساساً تنها واقعیت اصیل اجتماعی رفتارهای فردی و قابل مشاهده است. رفتار نیز مطابق با متغیرهای محیطی (اجتماعی و غیراجتماعی) شکل می‌گیرد و در نهایت تعدیل می‌شود. مفاهیم عمده این رویکرد عبارتند از: **پاداش:** اشاره به فرایندی است که در آن یک رفتار تقویت می‌شود. **تنبيه:** تلاشی است برای کاستن یا حذف یک رفتار. **پاداش یا تنبيه** مقوله‌های ذاتی نیست بلکه بسته به موقعیت و شرایط خاص می‌تواند مثبت یا منفی باشد. آموزش بیشتر از طریق تقویت مثبت (پاداش مثبت) صورت می‌گیرد. از نظر اسکینر جریمه (تنبيه مثبت) شاه‌ستون و مکانیزم اصلی نظارت اجتماعی است. به نظر اسکینر رفتار پیوسته تقویت شده، در مقایسه با رفتاری که متناوباً تقویت می‌شود زودتر فروکش می‌کند. **تقویت کننده شرطی (تقویت کننده خنثی):** تقویت کننده ای است که عملاً موجب تأثیر گذاری در رفتار می‌شود بدون آنکه اثر گذاری واقعی داشته باشد. **تقویت کننده تعمیم یافته:** اشاره به تقویت کننده ای است که قابلیت تبدیل به رشته گسترده ای از پاداشها را دارد. **تعدیل رفتار:** دربردارنده توضیح فرایند شکل‌گیری منظم رفتار است. چگونه و طی چه فرایندی افراد با آزمون و خطا و تجارب مختلف رفتارشان شکل گرفته و نظم پیدا می‌کند (ریتزر، ۱۳۸۶: ۴۱۰-۴۰۸).

پیشینه پژوهش

در ابتدای این بخش لازم به ذکر است که پیشینه مطالعات با توجه به خصلت کیفی نگارش داده‌ها و نتایج، متناسب با هر بخش در انتهای هر تحلیل و در راستای تأیید و یا رد نتیجه به

دست آمده به طور تفصیلی بیان شده و در این بخش، برخی از مهمترین این پژوهش‌ها شرح داده شده است.

پیشینه پژوهشی در ایران نیز تمایل به تخطی از هنجاری اجتماعی و رفتار قانون‌گیزانه را نشان می‌دهد (نظرسنجی‌های صدا و سیما، ۱۳۷۳؛ ۱۳۷۴ الف؛ ۱۳۷۴ ب؛ ۱۳۷۷). در طرحی که در سال ۱۳۸۱ در سطح کشور انجام پذیرفت نتایج مهمی بدست آمد که برخی از آنها به قرار زیر است: ۱۸/۸ درصد پاسخگویان معتقدند که از هر قانونی باید اطاعت کرد حتی اگر نامناسب باشد. ۸۱/۲ درصد از پاسخگویان معتقدند از قانونی که نامناسب است نباید اطاعت کرد (طرح ارزش‌ها و نگرش‌ها، ۱۳۸۱). نتایج پژوهشی دیگر نشان داد که ارزیابی دانشجویان از فراوانی کج‌روهای فرهنگی در بین دانشجویان در حد بالایی است. به طوری که نسبت کسانی که شیوع رفتار خاصی را زیاد دانسته‌اند، برای استفاده از موسیقی‌های غیر مجاز، دوستی با جنس مخالف و تماشای فیلم‌های مستهجن به ترتیب ۶۰، ۸۳ و ۴۰ درصد بود. همچنین نسبت دانشجویانی که اظهار داشته‌اند حداقل یک بار به موسیقی‌های غیر مجاز گوش داده‌اند، فیلم‌های مستهجن را تماشا کرده‌اند و دوستی با جنس مخالف داشته‌اند به ترتیب ۷۹، ۴۲ و ۲۷ درصد بود (سراج‌زاده و جواهری، ۱۳۸۲). همه این موارد می‌تواند نشانه نابسامانی و آشفتگی اجتماعی تلقی گردد که برای دوام و توسعه جامعه خطرناک است. حتی اگر این نابسامانی نوعی سازگاری عرفی در نظر گرفته شود (معیدفر، ۱۳۷۹).

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع در این پژوهش، از روش کیفی و به طور خاص روش نظریه زمینه‌ای^۱ استفاده شده است. معمولاً این روش برای گردآوری داده و تحلیل موضوعاتی که کمتر به آنها پرداخته شده و یا در پناه تئوری‌های موجود به درستی تفسیر نمی‌گردند، می‌تواند موثر باشد.

جامعه یا میدان مورد مطالعه تمامی زنان و مردان ساکن در شهر تهران بوده که به دلیل وابسته بودن داده‌ها به گزارش دقیق تجارب ذهنی افراد در بحث هم‌نوایی، افراد بالای ۱۸ سال مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌های این مطالعه، از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساخت‌یافته (بر اساس حصول اشباع نظری با توجه به یکنواخت و تکراری شدن داده‌های حاصل از مصاحبه) با ۱۹ پاسخگو اعم از زن و مرد جمع‌آوری شده است. انتخاب این افراد به صورت هدفمند و

با توجه به یک دیدگاه نظری صورت پذیرفته است. بر این اساس، افراد با توجه به اهمیت متغیرهایی چون جنسیت، طبقه، سن و وضعیت تأهل انتخاب شده‌اند. از لحاظ مکانی نیز غالب مصاحبه‌ها در مکان‌های عمومی همچون پارک‌ها انجام شده است.

توصیف داده‌ها

در این قسمت توصیفی از متغیرهای زمینه‌ای تحقیق ارائه شده است. متغیرهایی چون جنسیت، سن، وضعیت تأهل، تحصیلات و طبقه اجتماعی.

فراوانی پاسخگویان مورد مطالعه، از هر دو جنس تقریباً به یک اندازه است (۱۰ مرد و ۹ زن). دراینمیان ۸ نفر از پاسخگویان در رده سنی ۲۱ الی ۳۰ سال قرار داشته و پس از آن رده سنی ۳۱-۴۰ سال با فراوانی ۷ نفر (۳۷٪) قرار دارد. وضعیت تأهل پاسخگویان نیز بیان‌گر آن است که بیشتر پاسخگویان متأهل بوده (۱۰ نفر یا ۵۳٪) و ۸ نفر مجرد هستند. ۴۲ درصد جمعیت مورد مطالعه، غیرشاغل بودند و بیش از $\frac{1}{2}$ پاسخگویان دارای شغلی ثابت بودند. ۳۲٪ از پاسخگویان از تحصیلات پایینی برخوردار هستند (دیپلم و فوق‌دیپلم)، ۷ نفر از پاسخگویان دارای مدرک لیسانس بوده و مابقی نیز مدرک فوق‌لیسانس دارند (۳۱٪). در آخر اینکه بیشترین حجم پاسخگویان از میان افراد طبقه متوسط جامعه بوده است (۵۲٪) و طبقه بالا هر کدام با ۲۷٪ فراوانی و طبقه پایین با ۲۱٪ در رتبه بعدی قرار دارند.

تحلیل یافته‌ها

۱. آگاهی اجتماعی و هنجارگرایی

آگاهی اجتماعی اساس کنش هنجارمند بوده که بر اساس یافته‌های پژوهش در دو سطح قابل شناسایی است.

۱-۱. آگاهی معطوف به نظر

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بخشی از آگاهی مرتبط با هنجارهای اجتماعی، دارای سطح بالایی از انتزاع بوده و در سطوح زیرین کنش قابل تعریف است. آگاهی معطوف به نظر اشاره به آن دارد که افراد در مواجهه با هنجار اجتماعی، به دنبال چرایی وجود آن بوده و مجموعه‌ای از موضوعات مرتبط با کارکردهای یک هنجار و یا اهداف ایجاد آن مورد سوال قرار

می‌گیرد. به بیان دیگر فردی که به آگاهی معطوف به نظر دست پیدا کند فلسفه وجودی یک هنجار و معنای ایجاد آن را درک خواهد کرد. این آگاهی می‌تواند منجر به پذیرش هنجار و مشروع دانستن آن شده و یا عدم پذیرش و عدم مشروعیت هنجار را دنبال داشته باشد. به عنوان مثال «فرناز»^۱ ۳۲ ساله، شاغل، بر اساس این سطح از آگاهی درباره هنجار حجاب اسلامی می‌گوید:

«خیلی‌ها فلسفه حجاب را نمی‌دانند. کسی نیامده به خانمی که حجاب را رعایت نمی‌کند بگوید که حجاب را برای اجبار و محدودیت نگذاشته‌اند بلکه رعایت کردن آن برای خودت و هم برای دیگران سودمند است».

«ریحانه» ۳۵ ساله، دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا به این نوع از آگاهی اشاره می‌کند:

«آدم‌ها مجبور می‌شوند این قواعد را رعایت کنند. ممکن است از خودشان بپرسند که این قانون چرا به وجود آمده است. ولی اغلب آدم‌ها این کار را نمی‌کنند و همین‌جوری آنها را رعایت می‌کنند».

۱-۲. آگاهی معطوف به نتیجه

آگاهی معطوف به نتیجه دارای جنبه کاربردی و عملیاتی‌تری نسبت به آگاهی نظری است و ناظر بر تشخیص یک امر به عنوان هنجار است. یعنی اینکه فرد بتواند مرز میان هنجار و ناهنجار را تشخیص دهد. این تشخیص مربوط به فهم پیامدها و تبعات متصور از همنوایی و یا شکستن یک هنجار نیز هست. در این سطح از آگاهی، نقش فرایند جامعه‌پذیری (اجتماعی‌شدن) و تجربه ناشی از زندگی اجتماعی در جامعه بسیار موثر است. در واقع بخش عمده‌ای از امکان زندگی اجتماعی، شامل: قدرت پیشی‌بینی‌پذیری کنش متقابل، حفظ و افزایش روابط اجتماعی، بهره‌مندی از مزایای همنوایی اجتماعی و جلوگیری از تبعات منفی هنجارشکنی منوط به دارا بودن آگاهی معطوف به نتیجه توسط کنشگر است.

«آسایش» ۲۷ ساله، فوق‌لیسانس، دارای طبقه اجتماعی متوسط، بر ضرورت دارا بودن آگاهی معطوف به نتیجه تأکید کرده و می‌گوید:

«بعضی آدم‌ها از قوانین اطلاع ندارند یا نمی‌دانند که در یک موقعیت خاص چگونه باید عمل کنند. به عنوان مثال دخترخاله من، خواهرانش را به دانشگاه خودش برده و چون نمی‌دانسته

۱. اسامی نام برده شده برای حفظ هویت پاسخگویان تغییر کرده است.

که باید با انتظامات دانشگاه هماهنگ کند، بدون اطلاع، وی را به داخل دانشگاه برده و بعداً انتظامات می‌خواسته دخترخاله‌ام را توبیخ کنند اما او اظهار کرده که اطلاعی از این قانون نداشته و نمی‌دانسته کار خلاف قانون انجام داده است».

پیشینه تجربی نیز نشان دهنده تاثیر آگاهی از قوانین و هنجارها بر روی هم‌نوایی با آن هنجار است (فیروزجائیان، ۱۳۸۸: ۳۳۰-۳۲۹؛ عبدی، ۱۳۸۱؛ فخرایی، ۱۳۷۵).

۲. پیامدنگاری و محاسبه اجتماعی

محاسبه اجتماعی و سنجش تبعات رعایت یک هنجار و یا تخطی از آن را می‌توان بر اساس تئوری انتخاب عقلانی تبیین نمود. این نظریه، نظریه‌ای هنجاری است که به کارآمدترین شیوه دستیابی به یک هدف معین در یک شرایط معین اشاره می‌کند» (کرایب، ۱۳۷۹: ۹۱). بر اساس یافته‌های پژوهش چگونگی و میزان تبعات هنجارگرایی و هنجارگریزی و محاسبه آن توسط کنش‌گران، در مواجهه با هنجار اجتماعی بسیار موثر است. به همین دلیل افراد در زمان مواجهه با یک هنجار با ارجاع به پیامدهای احتمالی ناشی از رعایت هنجار و یا تخطی از آن، تصمیم به کنش می‌گیرند. منظور از محاسبه، ارزیابی میزان سود و زیان (پاداش و تنبیه) احتمالی از یک کنش هنجارمند و یا هنجارشکن است.

۱-۲. محاسبه تبعات منفی، زیان‌ها و مجازات اجتماعی

آن چیز که در اینجا اهمیت دارد نقش محاسبه پیامدهای منفی، زیان‌ها و مجازات اجتماعی به عنوان یک عامل سلبی و بازدارنده از هنجارشکنی است. در این باره بیکاریو معتقد است تنها ایجاد قوانین در جامعه کافی نیست و برای جلوگیری از روحیه مستبدانه و انحراف از قوانین در افراد، مجازات در جامعه برقرار می‌شود (برن و مسمیت، ۱۹۹۵: ۳۳۵-۳۳۲). مجازات باید متناسب با جرم، سریع، مشخص و در بردارنده بازدارندگی باشد (بیکاریو به نقل از فیروزجائیان، ۱۳۸۸: ۵۱). بتهام نیز بر این نظر است که مجرمان به طور مدام سود و زیانی که از ارتکاب یک جرم ناشی می‌شود را مورد محاسبه قرار می‌دهند. به نظر او جرم می‌تواند از طریق ضمانت اجرایی مثبت (پاداش برای هم‌نوایی با هنجارها) یا ضمانت اجرایی منفی (مجازات برای تخطی از هنجارها و قوانین) پیشگیری شود (برن و مسمیت، ۱۹۹۵: ۳۳۵-۳۳۲). همه ۱۹ پاسخگو در کنار دیگر معیارها، مجازات اجتماعی را از مهمترین معیار تشخیص هنجار قوی و هنجار ضعیف

دانسته و معتقدند هنجاری که دارای مجازات بیشتری است تخطی از آن نیز بسیار دشوار است و بالعکس.

«حسین» ۳۱ ساله، دارای طبقه اجتماعی متوسط در این باره می‌گوید:

«هنجارهایی که شکستن آنها مردم را بیشتر اذیت کند شکستنش سخت‌تر است و نیز هنجارهایی که مجازات‌های سنگینی در پی دارد شکستنش سخت است. در واقع بر اساس میزان مجازات و خوبی و بدی رساندن به دیگران و خودم هنجار را می‌سنجم».

در محاسبه پیامدها، پاسخگویان نه تنها به هزینه‌های رسمی بلکه به هزینه‌های غیررسمی نیز می‌اندیشد. اما به نظر می‌رسد که در بحث هزینه آن چه که بیش از هر چیز دیگر جلب توجه می‌کند در نظر گرفتن نسبت هزینه‌ها با خود فرد است. یعنی هرچه هنجارشکنی موقعیت فرد را بیشتر به خطر اندازد، افراد بیشتر سعی می‌کنند از آن اجتناب کنند. به عبارتی منافع و زیان فردی مرکز ثقل و نقطه کانونی محاسبه افراد است.

«رضا» ۲۴ ساله، دارای پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین مجازات و هنجار شکسته شده را در غالب تجارب روزمره خود این‌گونه بیان می‌کند:

«جوانی را در محله خومان می‌شناختم که خرده‌فروشی مواد می‌کرد و بسیار پول دار شده بود. وی را گرفتند و ۲۰ سال برایش حبس بریلند. با وی مصاحبه کردند. گفت: من فکر می‌کردم که اینجوری شود و مجازات شوم ولی شوق و اشتیاق به آرزو هام و پول مرا منع نکرد».

جنبه دیگری از محاسبه پیامد، معطوف به احتمال نتیجه‌بخش بودن شکستن هنجار و یا هم‌نوایی با آن است. به این معنا که اگر هنجاری جهت دستیابی به یک هدف مشخص شکسته شود، آیا هدف مورد نظر تأمین می‌شود یا خیر. و یا اینکه این هنجارشکنی آن از جانب دیگران تا چه حد مورد حمایت قرار گرفته و فراگیر می‌شود. در بحث هم‌نوایی نیز نتیجه‌بخش بودن در انتخاب کنش هنجارمند و یا هنجارگریز بسیار موثر است. آخرین نکته در این بخش نقش نظارت اجتماعی در گرایش فرد به هنجارگرایی است. بر اساس یافته‌ها ترس از دیده شدن و به تبع آن برچسب هنجارشکن خوردن در جلوگیری از هنجارشکنی بسیار موثر است و افراد در مواجهه با هنجار، محاسبه‌ای از احتمال دیده‌شدن انجام می‌دهند و بر اساس آن نوع کنش را انتخاب می‌کنند. نکته قابل توجه آنکه نظارت در حوزه غیررسمی بیشتر مورد تأکید زنان است و از آن با عنوان ترس از دیده شدن یاد کرده که موجب بدنمایی آنها می‌شود. اما این موضوع برای

مردان بیشتر در حوزه نظارت‌های رسمی حائز اهمیت است، زیرا این نظارت برای آنها مجازات‌های رسمی و جرمه‌های قانونی به دنبال دارد به همین دلیل به شدت از آن پرهیز می‌کنند.

در این راستا «مرجان» ۳۱ ساله، دیپلم و مطلقه، بیان می‌کند:

«من بیشتر هنجارهایی را می‌شکنم که مخفیانه باشد و کسی نفهمد برای اینکه مجازات نشوم. اگر هم مجازات شوم وجدان من است که مرا مجازات می‌کند. دوست ندارم دیگران به چشم بد به من نگاه کنند».

یکی دیگر از عوامل موثر بر میزان و نوع هنجارگرایی و یا هنجارگریزی سطح واکنش‌های رسمی و غیررسمی به یک کنش هنجارشکن و یا همنوایی با یک هنجار است. از جمله نکات مهم در واکنش اجتماعی آن است که اگر واکنش‌های غیررسمی به یک هنجار هماهنگ و در راستای واکنش‌های قانونی به آن باشد احتمال همنوایی بسیار افزایش پیدا می‌کند اما اگر واکنش‌ها به یک هنجار واحد، متعارض بوده و دارای شدت و ضعف باشد، به نوعی فضای گیج‌کننده ایجاد کرده و احتمال هنجارشکنی بالاتر می‌رود.

«بهزاد» ۲۵ ساله، فوق‌لیسانس با اشاره به این وضعیت بیان می‌کند:

«یک سری مسائل در کشور ما معلوم نیست که مجاز است یا غیرمجاز. مانند اینکه با دختر در خیابان قدم بزنم. نفهمیدم که این بالاخره هنجار هست یا نه. من یک جا دیده‌ام که این امر با تشویق روبرو شده اما در جای دیگر این امر مورد تنبیه قرار گرفته است. یک جایی خودم دیده‌ام که نیروی انتظامی به صحبت کردن و رابطه دختر و پسر کاری نداشته اما مردم به آن واکنش نشان داده‌اند و در جای دیگر دیده‌ام که نیروی انتظامی به دنبال توبیخ دختر و پسر بوده اما مردم به این رفتار نیروی انتظامی اعتراض داشتند».

نتایج تجربی بدست آمده در پژوهش فیروزجائیان (۱۳۸۸) نیز موید تأثیر کنترل‌های غیررسمی بر میزان همنوایی با هنجارها است. (فیروزجائیان، ۱۳۸۸: ۳۲۳).

۲-۲. محاسبه تبعات مثبت، منافع و مزایای اجتماعی

یافته‌ها نشان دهنده آن است که در بسیاری مواقع کنشگران بر اساس مزایا و پاداش‌هایی که از همنوایی اجتماعی متصور هستند، هنجارها را رعایت می‌کنند.

«بهزاد» ۲۵ ساله، فوق‌لیسانس و از پایگاه اقتصادی-اجتماعی متوسط انگیزه خود از رعایت

بسیاری هنجارها را دستیابی به مزایای اجتماعی می‌داند:

«رعایت این هنجارها برای من در طولانی مدت خیلی سود داشته. آموزش خوب، امکانات و فرصت‌های تحصیلی و شغلی خوب. به همین دلیل بسیاری هنجارها مخصوصاً هنجارهای رسمی در دانشگاه را رعایت می‌کنم».

مزایای اجتماعی در حوزه غیررسمی نیز عامل مهمی در گرایش افراد به هنجارگرایی است. در آخر اینکه تخطی از هنجارها نیز دارای منافع و سودمندی‌هایی بوده که افراد با محاسبه آن تصمیم به هنجارشکنی می‌گیرند که از بیان مصادیق آن خودداری می‌شود.

۳. زمینه‌های هنجارگرایی و هنجارگریزی

دیگر مقولات مرتبط با شرایط علی که بیشتر جنبه ساختاری دارند با عنوان زمینه‌های هنجارگرایی و هنجارگریزی و بر اساس سه زیر مقوله در ادامه شرح داده خواهد شد.

۳-۱. کشش‌ها و تمایلات فردگرایانه

کشش‌ها و تمایلات فردی به شکستن هنجارهای جامعه را می‌توان در تئوری خودکنترلی^۱ گاتفردسون و هیرشی (۱۹۹۰) جستجو نمود. از نظر این دو، کسانی که تمایل به انحراف دارند دارای شخصیت تکانشی^۲ می‌باشند. افراد با این ویژگی شخصیتی، نسبت به احساسات افراد دیگر حساس نبوده، جسمانی (از نیروی جسمی برای انجام کارها استفاده می‌کنند)، ریسک‌پذیر^۳، کوتاه‌نظر^۴ و غیرکلامی^۵‌اند. این ویژگی‌ها موجب خود کنترلی پایین افراد می‌شود که در نهایت تأثیر مثبتی بر رفتار انحرافی دارد (سیگل، ۲۰۰۷: ۳۰۲-۲۹۷). تصور آنها بر این است که پایین بودن کنترل خود، می‌تواند مبین استعداد فردی برای ارتکاب و یا عدم ارتکاب جرم باشد (آکرز^۶، ۱۹۹۱: ۲۰۱). همچنین گاتفردسون و هیرشی انجام عمل مجرمانه را برای این افراد با التذاذ کوتاه مدت همراه می‌دانند (گاتفردسون و هیرشی^۷، ۱۹۹۰: ۹۱).

یافته‌ها نشان می‌دهد که برخی افراد بر اساس یک کشش درونی به شکستن هنجارهای رایج در جامعه مبادرت می‌ورزند. برخی با شکستن هنجارها به دنبال لذت‌طلبی، تفریح و یا کسب

-
1. Self-Control Theory
 2. Impulsive Personality
 3. Risk- Taking
 4. Short- Sighted
 5. Nonverbal
 6. Akers
 7. Gottfredson.& Hirschi

هیجان بوده و برخی روحیه‌ای جامعه‌ستیز دارند و به تخریب محیط اطراف و بعضاً خودتخریبی پرداخته که این کنش در شکستن هنجارها خود را نشان می‌دهد.

«مرتضی» ۲۴ ساله، دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا در این باره می‌گوید:

«برخی برای اینکه خود را نشان دهند و خودشیرینی کنند هنجارها را می‌شکنند. عده‌ای برای لذت بردن، قوانین را زیر پا می‌گذارند. البته این خود دو دسته است. یک عده به خاطر نفس لذت بردن هنجارشکنی می‌کنند. مانند فردی که با سرعت بسیار بالا در خیابان رانندگی می‌کند. و دسته دوم کسانی هستند که با همه چیز در تعارض هستند. مانند کسی که از لج پلیس، چراغ قرمز را رد می‌کند».

بخشی از تمایلات برای هنجارشکنی به میزان ریسک‌پذیر بودن فرد باز می‌گردد. یعنی برخی افراد از نظر شخصیتی توان انجام هنجارشکنی را دارند اما برخی حتی با داشتن تمایل به شکستن هنجار به دلیل عدم ریسک‌پذیری از آن صرفه نظر می‌کنند. این ویژگی فردی از سوی پاسخگویان نیز مورد تأکید قرار گرفته و جدا از پشتوانه‌های اجتماعی و یا اقتصادی، به عنوان یک عامل موثر در گرایش فرد به هنجارشکنی و یا همنوایی با هنجار در نظر گرفته شده است.

۲-۳. فشار اجتماعی و تناسب اهداف-وسایل

بر اساس یافته‌های پژوهش، بسیاری از پاسخگویان نبود فرصت‌ها و راه‌های مشروع جهت دستیابی به اهداف مورد نظر خود و به تبع آن به وجود آمدن انواع کمبودها و نیازهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و مخصوصاً اقتصادی را دلیل سوق پیدا کردن خود و دیگران به شکستن هنجارها می‌دانند.

«رضا» ۲۴ ساله، دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین بر نبود فرصت‌های اجتماعی در دستیابی به اهداف اشاره می‌کند:

«برخی افراد به خاطر تامین نیازهای خود و خانوادشون دست به خلاف می‌زنند. خود من در تهران شاهد تبعیض‌های زیادی هستم که افراد با داشتن پارتی و رابطه به منافع به شغل و پول بسیار خوبی دست پیدا می‌کنند اما من با داشتن انواع شایستگی‌ها به هیچ جایی نمی‌رسم. این خیلی درد بزرگی است».

فشار اجتماعی بر افراد علاوه بر اینکه احتمال هنجارشکنی را در وی بالا می‌برد، ممکن است سبب سرخوردگی و طرد اجتماعی فرد شده، انزوا و گوشه‌گیری را به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر نیز اعتراض و شورش نتیجه ابهام و فقدان فرصت‌ها و اهداف در جامعه است که میزان

کنش‌های هنجارشکن را افزایش می‌دهد. در همین راستا، از نظر مرتن هم‌نوایی رفتاری است که در آن سازگاری بین اهداف و وسایل وجود دارد. نوآوری، مناسک گرایی، انزوا و شورش انواع رفتار انحرافی از نظر مرتن می‌باشد (مرتن^۱، ۱۹۷۱: ۲۸۹-۲۸۲).

همچنین یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که دلیل ایجاد فشار اجتماعی علاوه بر عدم تناسب فرصت‌های مشروع و اهداف در جامعه، ناشی از سخت‌گیرانه بودن قوانین و هنجارهای جامعه مخصوصاً هنجارهای رسمی است. به گونه‌ای که امکان انعطاف‌پذیری و خلاقیت برای کنش‌های فردی در این ساختار هنجاری به حداقل می‌رسد و این خود فشار بسیار زیادی را بر فرد، قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب وی وارد کرده که احتمال هنجارشکنی را بسیار بالا می‌برد. نکته مهم آن است که از نظر مرتن، منبع فشار در خود نظام اجتماعی قرار دارد، نه در افرادی که دچار بی‌هنجاری گردیده‌اند (کیوستو، ۱۳۸۶: ۱۴۹).

ذکر این نکته نیز ضروری است که با توجه به ساختارهای اجتماعی متفاوت می‌توان گفت که افراد همواره به دنبال مرئی ساختن و طرح عاملیت خود هستند. هرچه در جوامع بشری فرصت ابراز و اظهار وجود به افراد داده شود، افراد کمتر به هنجارگریزی روی می‌آورند، اما آنجا که عاملیت افراد کاملاً نادیده شمرده شود، هنجارگریزی به گونه‌های مختلف نمایان خواهد شد.

۳-۳. مقاومت فرهنگی

در نظریه تضاد فرهنگی بیان می‌شود که در جوامع، خرده‌فرهنگ‌های گوناگونی وجود دارد که بر اساس نظام هنجاری خود به زندگی هنجاری می‌پردازند ولی گروه‌های مسلط بر اساس هنجارهای خود قوانین را تنظیم می‌کنند و رفتارهای دیگر فرهنگ‌ها را کجروی و جرم تلقی کرده و با آنها برخورد می‌کند (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۳: ۳۵-۳۴؛ ولد و دیگران، ۱۳۸۰: ۳۲۰-۳۱۹؛ ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۳۸؛ سیگل و سنا^۲، ۱۹۷۷: ۱۶۱؛ هورتن و هانت^۳، ۱۹۸۷: ۱۷۶).

یافته‌ها حاکی از آن است که برخی هنجارها توسط چارچوب هنجاری حاکم و مسلط در جامعه که پشتوانه حاکمیتی و سنتی در جامعه دارند، تخطی از آنها ناهنجاری قلمداد شده اما توسط نسل جوان و افراد دارای پایگاه‌های طبقاتی بالا این موارد ناهنجاری به حساب نیامده و به تکرار این هنجارها شکسته می‌شود. نکته مهم آن است که پاسخگویان، شکستن این

1. Merton

2. Siegel & Senna

3. Horton & Hunt

هنجارها را در راستای به چالش کشیدن چارچوب هنجاری-قانونی و قدرت مسلط در جامعه دانسته و با این کنش به دنبال مقاومت فرهنگی هستند. خرده فرهنگها از طریق سبکهای متفاوت، هویت های متفاوتی را ابراز می کنند و نسبت به نظم اجتماعی مسلط اعتراض کرده آن را مورد چالش قرار می دهند (هبدایج^۱، ۱۹۷۹: ۱۳۲)

«نوید» ۲۵ ساله، دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا، تعارض فرهنگی میان هنجارهای رسمی و کنش های هنجارشکنانه خود را در راستای یک نوع مقاومت فرهنگی دانسته و بیان می دارد:

«به نظر من در جامعه ما برای نسل جوان بسیاری هنجارها چیپ و بی خود است. مانند همان مثال همراه داشتن سگ در ماشین. آخه وجود سگ در ماشین چه اشکالی داره؟ اینها مواردی است که دیگر برای عموم مردم یک عمل معمولی و عادی است و فقط اقلیتی آن را ناهنجاری می داند. جامعه ای که از نظر فکری در حال پیشرفت است. جوانان انواع کتابها را به زبان لاتین می خوانند باید همراه با این تغییرات به جلو رفت. من برخی مواقع مشروب خورده ام و یا رابطه با دختر نامحرم داشته ام. البته من این موارد را هنجارشکنی نمی دانم».

پیشنه تجربی در بحث مقاومت فرهنگی نیز نتایج مشابهی را نشان می دهد (کارستز^۲، ۲۰۰۲: ۱-۲؛ طالبان، ۱۳۷۸؛ قاسمی، ۱۳۸۳؛ سراج زاده، ۱۳۸۳؛ سراج زاده و جواهری، ۱۳۸۲).

تیپ های همنوایی با هنجار

بر اساس دو مقوله بیان شده در بخش شرایط علی یعنی آگاهی اجتماعی و محاسبه سود و زیان ناشی از همنوایی، در ادامه ۴ تیپ همنوایی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

همنوایی متعهدانه

جدول شماره ۱. مقوله فرعی همنوایی متعهدانه

مقوله فرعی	آگاهی اجتماعی	محاسبه سود و زیان (پاداش / تنبیه)		نوع کنش	مقوله عمده
		سود	زیان		
همنوایی متعهدانه	+	+	-	کنش عقلانی معطوف به ارزش	تیپ های همنوایی

هم‌نوایی متعهدانه عمدتاً به پروسه جامعه‌پذیری کامل بر می‌گردد. افرادی که در فرایند جامعه‌پذیری مشروعیت قواعد و قوانین را درونی کرده باشند، اطاعت از آن را امری لازم و ضروری می‌دانند. چرا که در طی این فرایند آموخته‌اند که اطاعت از هنجارها در برگیرنده سود و عدم اطاعت زیان به دنبال خواهد داشت، حتی اگر این سود و زیان به لحاظ آنی^۱ بر آنها آشکار نباشد ولی آنها مطابق یک سیستم ارزشی می‌دانند که هم‌نوایی با هنجارها دارای منافع و عدم رعایت آنها با زیان‌هایی همراه است.

در این تیپ از هم‌نوایی، فرد دارای آگاهی معطوف به نتیجه بوده و در فرایند روابط- اجتماعی، می‌تواند هنجار را تشخیص دهد و به مرز میان هنجار با ناهنجاری و نیز از تبعات آن آگاهی دارد. دلیل این هم‌نوایی را می‌توان در پذیرش و باور هنجار دانست. در این تیپ از هم‌نوایی در صورت نبود نظارت اجتماعی و حتی فقدان مجازات‌های اجتماعی، باز هم احتمال هنجارگرایی در فرد بسیار بالا است. در واقع مهمترین ویژگی این تیپ رعایت خود به خودی و آگاهانه هنجارهای اجتماعی است. در بحث محاسبه سود زیان و تبعات ناشی از هنجارگرایی در تیپ متعهدانه باید بیان داشت که در بسیار مواقع کسب منفعت‌های کوتاه مدت و یا مادی سبب بروز کنش هنجارگرایانه نمی‌شود، بلکه رعایت هنجارها برای فرد در دراز مدت می‌تواند دارای مزایایی باشد و ممکن است این منافع حتی اخروی و معنوی تلقی شود که این امر بر اساس یافته‌ها در مورد افراد دارای نگرش مذهبی صادق است.

«آسایش» ۲۷ ساله، فوق لیسانس و از طبقه اجتماعی متوسط در این‌باره می‌گوید:

«من رعایت قوانین رسمی کشور را بسیار مهم می‌دونم، حتی اگر قانون بدی باشد باید آن را رعایت کرد. در بسیاری مواقع نیز برای رضای خداوند این کار را می‌کنم و به هنجاری احترام می‌گذارم، که خدا از من راضی باشد. مثلاً به هیچ وجه راضی به قتل یک نفر نمی‌شوم. زیرا انسان و جان انسان بسیار برایم مهم و با ارزش است. و یا هیچ‌گاه دزدی نمی‌کنم. نه به خاطر اینکه مجازات می‌شوم و یا اینکه دیده شوم، حتی اگر هیچ‌کس هم نفهمد انجام نمی‌دهم. زیرا این جا برایم بحث حلال و حرام مهم است».

در واقع اعتقاد به مشروعیت نظام هنجاری، تکلیف دانستن رعایت هنجارهای رسمی و قوانین، تأثیر نگرش‌های دینی و اخلاقی (شرایط مداخله‌گر) در تعهد به هم‌نوایی، فهم و آگاهی کامل از تبعات مثبت هنجارگرایی و تبعات منفی شکستن آن در هم‌نوایی متعهدانه بسیار مهم

است. در یک جمع بندی نهایی، کنش هنجارگرایانه در تیپ متعهد به هنجار را از منظر ماکس-وبر می توان کنش عقلانی معطوف به ارزش دانست (کوزر، ۱۳۸۶: ۳۰۰؛ آرون، ۱۳۸۶: ۵۶۶).

همنوایی مصلحت گرایانه

جدول شماره ۲. مقوله فرعی همنوایی مصلحت گرایانه

مقوله عمده	نوع کنش	محاسبه سود و زیان (پاداش / تنبیه)		آگاهی اجتماعی	مقوله فرعی
		زیان	سود		
تیپ های همنوایی	کنش عقلانی معطوف به هدف	-	+	+	همنوایی مصلحت- گرایانه

در این تیپ از همنوایی، همانند همنوایی متعهدانه آگاهی معطوف به نتیجه درباره شناسایی هنجار و تبعات آن نیز وجود دارد. اما نکته مهم آن است که محاسبه سود ناشی از همنوایی و مزایا و منفعی که برای فرد به دنبال دارد، مبنای کنش هنجارگرایانه قرار دارد، به همین دلیل مصلحت گرایانه نام دارد. به این معنا که در صورت فقدان سود در محاسبه فرد از همنوایی، احتمال کنش هنجارگرایانه کاهش پیدا می کند. به عبارتی در این گونه همنوایی، توافق فرد برای همنوایی بیشتر متوجه تبعات است نه سیستم ارزشی که هنجار مطابق آن تعریف شده است. بر اساس یافته های پژوهش، همنوایی مصلحت گرایانه در برخی موارد با عدم پذیرش درونی همراه بوده است. به این معنا که فرد با هنجار موجود و یا نظام هنجاری در تعارض است اما به دلیل مزایایی که همنوایی با هنجارها برایش به دنبال دارد از هنجارشکنی صرفه نظر کرده و به رعایت آن سوق پیدا می کند.

به عنوان مثال، «مرتضی» ۲۴ ساله، دارای طبقه اجتماعی بالا، اظهار داشت:

«کسانی که آینده نگر هستند و برای زندگی خود برنامه ریزی دارند هنجارهای اجتماعی را رعایت می کنند. زیرا می خواهند در کار و زندگی شان خللی ایجاد نشود. من با رعایت هنجارها می توانم در جامعه در کارم پیشرفت کنم و به اهدافم برسم».

در انتها باید به این نکته اشاره نمود که بر اساس تقسیم بندی کنش های ماکس وبر، همنوایی مصلحت گرایانه را می توان به عنوان کنش عقلانی معطوف به هدف در نظر گرفت (کوزر، ۱۳۸۶: ۳۰۰؛ آرون، ۱۳۸۶: ۵۶۷).

همنوایی اجبارگرایانه

جدول شماره ۳. مقوله فرعی همنوایی اجبارگرایانه

مقوله فرعی	آگاهی اجتماعی	محاسبه سود و زیان (پاداش / تنبیه)		نوع کنش	مقوله عمده
		سود	زیان		
همنوایی اجبارگرایانه	+	-	+	کنش عقلانی معطوف به هدف	همنوایی اجبارگرایانه

در همنوایی اجبارگرایانه فرد آگاهی به هنجارهای موجود و تبعات مثبت و منفی متصور از همنوایی و شکستن آن داشته و از سوی دیگر به محاسبه این پیامدها می‌پردازد اما بر خلاف همنوایی مصلحت‌گرایانه، محاسبه زیان‌ها و تبعات منفی هنجارشکنی مانع از شکستن هنجار توسط فرد شده و بر مبنای اجبار، همنوایی را به دنبال دارد. ترس از مجازات‌های رسمی و غیررسمی از مهمترین دلایل همنوایی در این تیپ است. لازم به ذکر است در این تیپ از هنجارگرایی، فرد هنجار موجود را نپذیرفته و آن را فاقد مشروعیت می‌داند اما ترس ناشی از تبعات منفی تخطی از هنجار و محاسبه شدت آن، فرد را مجبور به همنوایی می‌کند. نکته مهم آن است که اگر فرد در محاسبه خود به این نتیجه برسد که در صورت شکستن هنجار، از نظارت اجتماعی به دور بوده و مجازات نمی‌شود و یا مجازات را می‌تواند در مقابل منفعت بدست آمده تحمل کند، احتمال رفتار هنجارشکن به شدت افزایش پیدا می‌کند. در واقع در همنوایی مصلحت‌گرایانه عمدتاً فرد بر اساس کنش درونی^۱ به سمت هنجارگرایی سوق پیدا می‌کند و در همنوایی اجبارگرایانه عوامل بیرونی هستند^۲ که فرد را مجبور به اطاعت و همنوایی با هنجارها می‌کند.

«لیلا» ۳۴ ساله، دیپلم و از طبقه اجتماعی پایین، اظهار می‌دارد:

«عده‌ای از روی ترس هنجارها را رعایت می‌کنند. و بیشتر مردم این گونه‌اند. ترس از انگ بدی که مردم به وی بزنند. ترس از سر سابقه. مخصوصاً هنجارهای سیاسی و اقتصادی را از روی اجبار رعایت می‌کنند. مثلاً قوانین راهنمایی و رانندگی. خیلی دوست دارم که با سرعت بالا رانندگی کنم اما اصلاً نمی‌خوام پلیس مرا جریمه کند».

بر اساس انواع کنش از منظر وبر، همنوایی اجبارگرایانه را می‌توان از نوع کنش عقلانی معطوف به هدف دانست

1 . Pull Factors
2 . Push Factors

همنوایی عادت گرایانه

جدول شماره ۴: مقوله فرعی همنوایی عادت گرایانه

مقوله عمده	نوع کنش	محاسبه سود و زیان (پاداش / تنبیه)		آگاهی اجتماعی	مقوله فرعی
		زیان	سود		
تیپ‌های همنوایی	کنش سستی / عاطفی	-	+	-	همنوایی عادت-گرایانه

در این تیپ، آگاهی، مبنای کنش نبوده و فرد بر اساس یک روال و الگوی از پیش موجود که در یک فرایند روزمره آن را فرا گرفته است، رفتار می‌کند. در واقع فرد بدون فکر کردن به نوع کنشی که انجام می‌دهد و دانستن چرایی آن و بدون موضع‌گیری در قبال پذیرش و یا عدم-پذیرش هنجار، همنوایی را در پیش می‌گیرد. لازم به ذکر است که این سنخ از همنوایی، دارای منافعی برای فرد هم‌نوا است، هرچند که در بعضی مواقع شاید محاسبه این منافع در همنوایی عادت‌گرایانه چندان مبنای کنش نباشد و فرد بدون در نظر داشتن سود و زیان احتمالی، بر طبق عادت از قواعد اجتماعی پیروی می‌کند. اما نمی‌توان منافع و سود احتمالی که همنوایی مبتنی بر عادت برای فرد دارد را نادیده گرفت. بر اساس یافته‌های پژوهش، پاسخگویان در همنوایی عادت‌گرایانه، بر طبیعی دانستن هنجارها از سوی فرد تأکید دارند به گونه‌ای فرد فکر می‌کند هنجارها از ابتدا وجود داشته‌اند و جنبه ذاتی دارند.

«مهران» ۲۶ ساله در این باره می‌گوید:

«من خیلی از هنجارها را ناخودآگاه رعایت می‌کنم. چون بهم گفتند که باید این کار را کرد من هم انجام می‌دهم. شاید خیلی هم به آن فکر نکنم. به معنا یا نتایجش فکر نکنم. مثلاً هیچ‌وقت فکر نکرده‌ام که چرا احترام به استاد خوب است. ولی همیشه احترام می‌گذارم».

در تیپ عادت‌گرایانه، تعهد و تقید به رعایت هنجار بسیار محدود بوده و این ناپایداری همنوایی را به دنبال دارد. فرد ممکن است در ادامه فرایند همنوایی، با دریافت پاداش به سمت همنوایی مصلحت‌گرایانه سوق پیدا کند و یا اگر دستیابی به اهدافش با شکستن هنجارها محقق شود به راحتی می‌تواند از همنوایی با هنجار دست بردارد. الگوبردای افراد از گروه‌های مرجع

نیز در چگونگی مواجهه آنها با هنجار بسیار موثر است. به همین دلیل این همنوایی را می‌توان «همنوایی تقلیدی» نیز دانست.

نکته دیگر آنکه در همنوایی عادت‌گرایانه، بر اساس کنش‌های چهارگانه مدنظر ماکس وبر، نوع کنش سنتی و عاطفی است.

در یک جمع‌بندی نهایی و جدا از تیپ‌های همنوایی، افراد هنجارگرا را می‌توان دارای ویژگی‌های خاص زیر دانست: ۱. ریسک‌گریز ۲. منفعت‌گرا ۳. محافظه‌کار ۴. ثبات‌طلب ۵. موقعیت‌مند.

تیپ‌های هنجارشکنی

بر اساس، معیار آگاهی اجتماعی و محاسبه سود و زیان، می‌توان ۵ تیپ هنجارشکن را شناسایی کرد.

هنجارشکنی غافلانه

جدول شماره ۵: مقوله فرعی هنجارشکنی غافلانه

مقوله عمده	محاسبه سود و زیان (پاداش / تنبیه)		آگاهی اجتماعی	مقوله فرعی
	زیان	سود		
تیپ‌های هنجارشکنی	-	-	-	هنجارشکنی غافلانه

در این تیپ، فرد بر اساس غفلت، فقدان آگاهی معطوف به نتیجه و به تبع آن عدم تشخیص هنجار در یک موقعیت، دچار هنجارشکنی ناخواسته شده است. در این تیپ، فرد قصد شکستن هنجار را ندارد و محاسبه‌ای از سود و زیان احتمالی هنجارشکنی ندارد، بلکه فقط بر اساس ناآگاهی دست به کنش هنجارشکن می‌زند. نکته مهم آن است که با کسب آگاهی، احتمال تکرار کنش هنجارشکن بسیار کاهش پیدا می‌کند.

«فرناز» ۲۸ ساله، درباره رابطه آگاهی اجتماعی و هنجارشکنی غافلانه می‌گوید:

«ناآگاهی و توجیه نبودن افراد چه از لحاظ قانونی چه از لحاظ اعتقادی باعث بسیاری از قانون-

شکنی‌ها می‌شود. مثلاً من چند وقت پیش نمی‌دانستم که آنجایی که ماشینم را پارک کرده‌ام،

پارک ممنوع است و جریمه شدم. اگر از قبل می‌دانستم هیچ‌وقت آنجا پارک نمی‌کردم».

هنجارشکنی عامدانه

جدول شماره ۶. مقوله فرعی هنجارشکنی عامدانه

مقوله فرعی	آگاهی اجتماعی	محاسبه سود و زیان (پاداش / تنبیه)		مقوله عمده
		سود	زیان	
هنجارشکنی عامدانه	+	+	-	تیپ‌های هنجارشکنی

در این تیپ از هنجارشکنی، فرد دارای آگاهی است. یعنی با اطلاع از اینکه می‌داند هنجاری را شکسته است و نیز با آگاهی از تبعاتی که این کنش هنجارشکن در پی دارد، اقدام به هنجارشکنی می‌کند. نکته مهم آن است که در این حالت، فرد با هنجارهای موجود و نظام هنجاری در تعارض است. در این تیپ از هنجارشکنی احساس فاصله، انزجار، عدم وابستگی و عدم‌باور به سیستم هنجاری هویدا است. کسب منافع و سود نیز در این تیپ می‌تواند وجود داشته باشد که از جمله این منافع نوآوری و بدعت، تغییر شرایط و سیستم هنجاری موجود است.

«بهزاد» ۲۵ ساله، درباره سوق پیدا کردن فرد به هنجارشکنی عامدانه بیان داشت:

«ممکن است من با کل حکومت مشکل داشته باشم و یا قبولش ندارم. مثلاً وقتی به فرد می‌گویی چرا این قانون را رعایت نمی‌کنی، می‌گوید این قانون که مال دولت است. همیشه این فاصله را احساس می‌کند. خود من در بعضی اعتراضات صنفی در دانشگاه به همین دلیل شرکت داشته‌ام. زیرا به شرایط موجود اعتراض داشتم».

همان‌طور که مشخص است، احساس شکاف میان دولت و ملت برای بعضی از پاسخگویان باعث حکومتی دانستن هنجارها و عدم مشروعیت نظام هنجاری می‌شود. از سوی دیگر احساس تضییع حقوق نیز سبب مخالفت و اعتراض شده و فرد جهت بیان اعتراض خود و یا احیای حقوق از دست رفته، عامدانه قواعد هنجاری را زیر پا می‌گذارد. از سوی دیگر بسیاری از نخبگان، دانشمندان و پیامبران الهی نیز در این تیپ از هنجارشکنی قرار گرفته که عامدانه به دنبال شکستن عادت‌ها و رویه‌های موجود در جامعه خود بوده‌اند تا هنجارهای جدید را رواج دهند.

هنجارشکنی منفعت‌گرایانه

جدول شماره ۷: مقوله فرعی هنجارشکنی منفعت‌گرایانه

مقوله فرعی	آگاهی اجتماعی	محاسبه سود و زیان (پاداش / تنبیه)		مقوله عمده
		سود	زیان	
هنجارشکنی منفعت‌گرایانه	+	+	-	تیپ‌های هنجارشکنی

در هنجارشکنی منفعت‌گرایانه، اساس کنش مبتنی بر محاسبه سود ناشی از شکستن هنجار است. در این کنش فرد دارای آگاهی اجتماعی برای تشخیص امر هنجاری بوده و از تبعات همنوایی و یا شکستن هنجار نیز اطلاع دارد.

«بهزاد» ۲۵ ساله، فوق‌لیسانس از طبقه اجتماعی متوسط، بر اهمیت تأمین منافع در چگونگی مواجهه فرد با هنجار تأکید کرده و بیان می‌دارد:

«در جامعه ما به خاطر فامیل بودن و یا دوستی حاضر می‌شویم خیلی از قوانین جامعه را زیر پا بگذاریم و مثلاً پارتی‌بازی کنیم. آدم‌ها همه از بد رانندگی کردن یکدیگر شکایت می‌کنند، اما زمانی که به نفع‌شان نیست خودشان این قوانین را زیر پا می‌گذارند. انگار که قوانین آفریده شده‌اند برای سود من و اگر این منافع تأمین نشد می‌توان آن را شکست».

همان‌طور که واضح است، در هنجارشکنی منفعت‌گرایانه، فرد ممکن است به هنجار موجود اعتقاد داشته باشد یا نداشته باشد، اما کسب سود و تأمین منافع است که باعث می‌شود فرد از هنجار تخطی کند. به نظر می‌آید همین فرد در صورت محاسبه کسب سود در کنش مبتنی بر همنوایی، جهت دستیابی به آن هنجارگرایی را در پیش گیرد. در این تیپ از هنجارشکنی، عدم-تعهد و فرصت‌گرایی نهفته است.

هنجارشکنی اجبارگرایانه

جدول شماره ۸. مقوله فرعی هنجارشکنی اجبارگرایانه

مقوله عمده	محاسبه سود و زیان (پاداش / تنبیه)		آگاهی اجتماعی	مقوله فرعی
	زیان	سود		
تیپ‌های هنجارشکنی	+	-	+	هنجارشکنی اجبارگرایانه

در این تیپ از هنجارشکنی، فرد توانایی شناسایی هنجار و قواعد اجتماعی را بر اساس آگاهی اجتماعی دارد، اما فرد به دلیل نیازهایی که دارد و جهت برطرف کردن زیان‌ها و محدودیت‌هایی که وی را تهدید می‌کند مجبور به هنجارشکنی می‌شود. لازم به ذکر است که در هنجارشکنی منفعت‌گرایانه یک نوع کنش درونی فرد را به هنجارشکنی متمایل می‌کند اما در هنجارشکنی اجبارگرایانه، فشارهای بیرونی فرد را مجبور به هنجارشکنی می‌کند. در این تیپ میزانی از اضطراب و ناچاری نهفته است.

«رضا» ۲۴ ساله، از طبقه اجتماعی پایین، بیان داشت:

«همه جا به دنبال کار شرافت‌مندانه بوده‌ام و سعی کردم با راستگویی به شغلی برسم اما تا به حال کسی مرا به کار نگرفته است. دیگر نمی‌خواهم خیلی موارد را رعایت کنم. جامعه این‌گونه اقتضا می‌کند».

هنجارشکنی عادت‌گرایانه

جدول شماره ۹: مقوله فرعی هنجارشکنی عادت‌گرایانه

مقوله عمده	محاسبه سود و زیان (پاداش / تنبیه)		آگاهی اجتماعی	مقوله فرعی
	زیان	سود		
تیپ‌های هنجارشکنی	-	+	-	هنجارشکنی عادت‌گرایانه

برخی افراد بر اساس عدم درک هنجارها و قواعد اجتماعی در یک موقعیت اجتماعی خاص، عادت به شکستن هنجارها کرده و مکرراً از آنها تخطی می‌کنند. نحوه اجتماعی شدن فرد در عادت به شکستن هنجارها بسیار موثر است. در واقع توجیه نبودن فرد به قواعد هنجاری جامعه و عدم جامعه‌پذیری مناسب در شکل‌گیری این تیپ از هنجارشکنی موثر است. هرچند کسب سود در این تیپ از هنجارشکنی اساس کنش تلقی نمی‌شود اما منافع چون کسب مشروعیت و تأیید جمعی می‌تواند از جمله تبعات این هنجارشکنی برای فرد باشد که در محاسبه وی برای انجام کنش هنجارشکن نیز دخیل شود.

«محمد» ۵۸ ساله درباره عادت به هنجارشکنی این‌گونه بیان داشت:

«در محل زندگی‌ام افرادی را می‌شناسم که به ناهنجاری خو کرده‌اند. یعنی فرد به گدایی خو کرده و با اینکه توان کار کردن دارد گدایی می‌کند. و افراد عادت می‌کنند به ناهنجاری. و یا فردی که به زد و خورد با دیگران عادت دارد و دوست دارد با دیگران دعوا کند».

برخی از هنجارشکنی‌های عادت‌گرایانه، واکنشی به محیط اجتماعی پیرامون و بر اساس تقلید صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر فرد هم‌رنگ جماعت می‌شود و اگر گروه هنجارشکنی کند، وی نیز آن هنجارها را می‌شکند. بدون اینکه به تبعات آن آگاهی داشته باشد. در بحث وندالیسم اجتماعی، آشوب‌ها و شورش، بسیاری از هنجارشکنی‌ها هم‌گرایانه و از نوع واکنشی است که تحت تأثیر گروه و جماعت انجام می‌گیرد. شاید بتوان این نوع هنجارشکنی را، هنجارشکنی همالانی یا تقلیدی نام نهاد.

در یک جمع‌بندی نهایی و جدا از تیپ‌های هنجارشکنی، افراد هنجارشکن را می‌توان دارای ویژگی‌های خاص زیر دانست: ۱. ماجراجو ۲. ریسک‌پذیر ۳. بی‌توجه به تبعات ۴. معترض ۵. تغییرطلب.

استنباط نظری

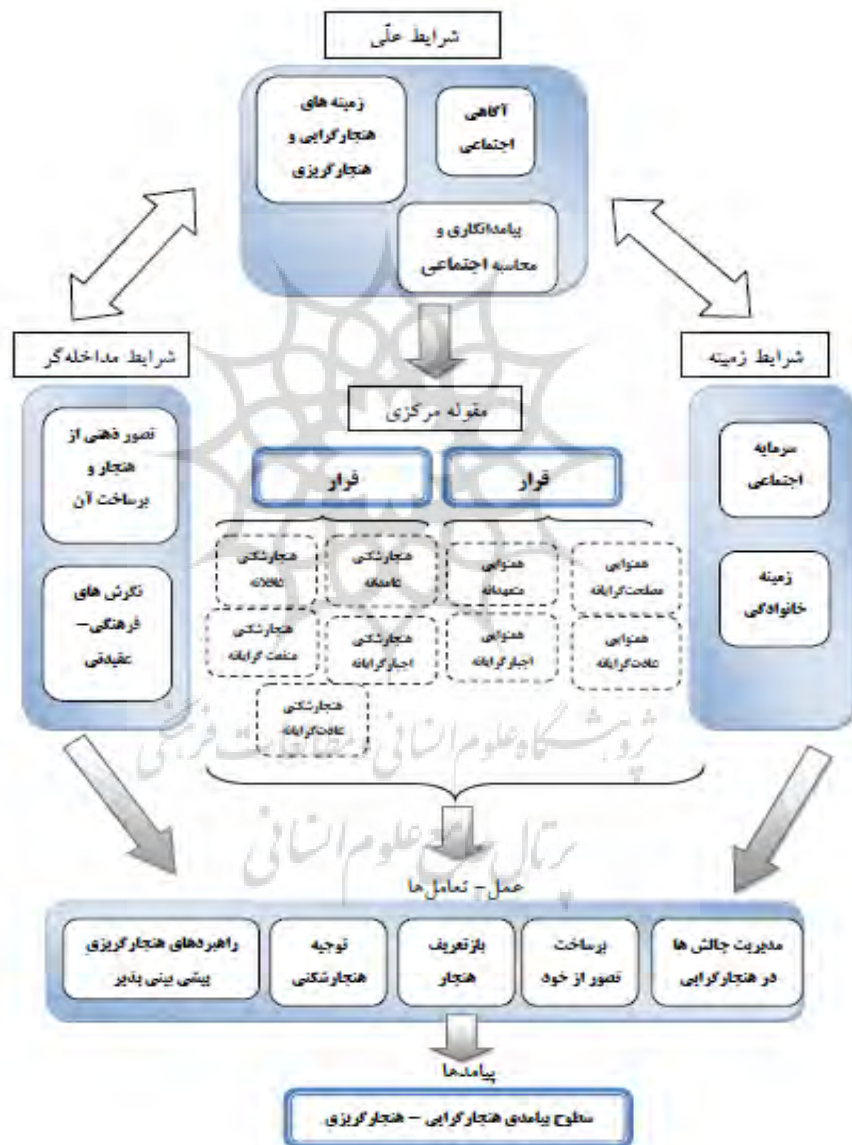
در یک تحلیل نهایی از فرایند هم‌نوایی اجتماعی و یا هنجارشکنی باید بیان داشت که «قرار و وابستگی» می‌تواند نقطه کانونی تحلیل و تبیین‌کننده فرایند هم‌نوایی و تیپ‌های مرتبط با آن باشد. افراد بر اساس دلایل و شرایط متنوعی در پی حفظ وضعیت موجود بوده که نوعی رویکرد محافظه‌کارانه و شرایط ایستا را به دنبال دارد. درواقع پیوستگی، یکپارچگی و انسجام اجتماعی افراد هم‌نوا با سیستم اجتماعی و هنجاری بیشتر است. از آن سو در بحث هنجارگریزی، بیشتر موضوع فرار از شرایط موجود مطرح است که در آن بیشتر رویکرد تغییرطلبانه و شرایطی پویا به چشم می‌خورد. هیرشی در بحث کنترل اجتماعی، از قیود اجتماعی نام می‌برد که عدم اتصال و اعتنا به آنها فرد را به سمت بزهکاری سوق می‌دهد و اگر فرد خود را نسبت به این قیود مسئول بداند، احتمال هم‌نوایی با هنجارها و اجتناب از بزهکاری افزایش می‌یابد. این قیود را تحت چهار مفهوم کلی می‌توان خلاصه کرد: ۱. وابستگی^۱: منظور میزان وابستگی فرد به دیگران است ۲. تعهد^۲: ترس از رفتار قانون‌شکنانه است. در حقیقت فرد با آنچه به دست آورده است، به رعایت هنجارها متعهد می‌شود. حتی امید به دست آوردن دارایی به شیوه متعارف، می‌تواند تعهد فرد را به پیوندهای اجتماعی تقویت کند ۳. درگیر بودن^۳: دخالت در فعالیتهای متعارف، بیانگر ویژگی درگیر بودن است ۴. باورها^۴: ویژگی باور و اعتقاد، به یک سیستم ارزشی مشترک در جامعه‌ای که هنجارهایش نقض می‌شوند، اشاره دارد (هیرشی^۵، ۱۹۶۹: ۱۸۹-۱۶۲)

جمع‌بندی مباحث نیز نشان می‌دهد یکی از اساسی‌ترین مقولات مرتبط با شرایط علی هنجارگرایی، آگاهی اجتماعی است فرد بر اساس آگاهی معطوف به نظر از چرایی وجود یک هنجار مطلع شده و بر اساس آگاهی معطوف به نتیجه می‌تواند یک امر هنجاری را تشخیص داده و از تبعات رعایت هنجارها و یا تخلفی از آنها نیز آگاهی کسب کند. از سوی دیگر افراد در

1. Attachment
2. Commitment
3. Involvement
4. Beliefs
5. Hirschi

زمان مواجهه با یک هنجار با ارجاع به پیامدهای احتمالی ناشی از رعایت آن و یا تخطی از هنجار، تصمیم به کنش می‌گیرند. لذا پیامدنگاری و محاسبه آن از مهمترین عوامل همنوایی با هنجار و یا تخطی از آن است. در این میان مجازات اجتماعی و تناسب آن با هنجار شکسته شده مهمترین پیامد تخطی از هنجار تلقی شده که بسیاری افراد با محاسبه آن تصمیم به کنش هنجارگرا و یا هنجارشکن می‌گیرند. علاوه بر تبعات منفی، محاسبه منافع و مزایای حاصل از همنوایی با هنجار و یا تخطی از آن نیز در نوع کنش فرد بسیار موثر است. کنش‌های درونی مبتنی بر لذت‌طلبی و یا جامعه‌ستیزی، نبود فرصت‌ها و راه‌های مشروع جهت دستیابی به اهداف دلیل سوق پیدا کردن بسیاری افراد به شکستن هنجارها است. مقاومت فرهنگی خرده‌فرهنگ‌های گوناگون در جامعه، مانند خرده‌فرهنگ‌های جوانان و یا طبقات مرفه جامعه، با نوعی شکستن و تعارض عامدانه با هنجارهای مسلط در راستای به چالش کشیدن قدرت حاکم بوده که میزان همنوایی را به شدت کاهش می‌دهد. همچنین باید به سرمایه اجتماعی و زمینه‌های خانوادگی افراد به عنوان شرایط زمینه‌ای و نیز تصور ذهنی کنشگران از هنجار و نوع نگرش فرهنگی عقیدتی آنان به عنوان شرایط مداخله‌گر در بحث همنوایی با هنجارهای اجتماعی اشاره نمود.

بر این مبنا است که تیپ‌های گوناگون همنوایی شکل می‌گیرد. برخی متعهدانه با هنجارهای اجتماعی همنوایی می‌کنند. محاسبه سود ناشی از همنوایی مبنای تیپ دیگری از همنوایی به نام مصلحت‌گرایانه قرار دارد. در همنوایی اجبارگرایانه محاسبه زیان‌ها و تبعات منفی هنجارشکنی مانع از شکستن هنجار توسط فرد می‌شود و آخرین تیپ از همنوایی بر اساس عادت به رعایت هنجارها شکل می‌گیرد. در بحث هنجارگریزی، فرد بر اساس غفلت و فقدان آگاهی معطوف به نتیجه در یک موقعیت، دچار هنجارشکنی ناخواسته می‌شود. نوع دیگر از هنجارشکنی عامدانه است، که فرد با هنجارهای موجود و نظام هنجاری در تعارض است و عدم‌پذیرش هنجار سبب شکستن آگاهانه آن می‌شود. در تیپ هنجارشکنی منفعت‌گرایانه اساس کنش مبتنی بر محاسبه سود ناشی از شکستن هنجار و در هنجارشکنی اجبارگرایانه، فرد به دلیل نیازهایی که دارد و جهت برطرف کردن زیان‌ها و محدودیت‌هایی که وی را تهدید می‌کند مجبور به هنجارشکنی می‌شود. برخی افراد نیز بر اساس عدم درک هنجارها و قواعد اجتماعی در یک موقعیت اجتماعی خاص، عادت به شکستن هنجارها کرده و مکرراً از آنها تخطی می‌کنند. این سنخ‌های متنوع هنجارگرایی / هنجارگریزی، خود استراتژی‌هایی را از جانب کنشگران همچون بازتعریف هنجار،



منابع

- 0 آرون، ریمون (۱۳۸۶). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی*. ترجمه: باقر پرهام. تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
- 0 ارزش ها و نگرش های ایرانیان (۱۳۸۱). یافته های پیمایش در ۲۸ استان کشور. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 0 پورافکاری، نصرت الله (۱۳۸۵). *فرهنگ جامع روانشناسی روان پزشکی و زمینه های وابسته*. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- 0 -ریتزر، جرج (۱۳۸۵). *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- 0 سراج زاده، حسین (۱۳۸۳). نیمه پنهان، گزارش نوجوانان شهر تهران از کجروی های اجتماعی و دلالت های آن برای مدیریت فرهنگی. *مجله علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی*. شماره ۴۱ و ۴۲.
- 0 سراج زاده، حسین و جواهری، فاطمه (۱۳۸۲). *نگرش ها و رفتار دانشجویان*. تهران: دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی اجتماعی. وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- 0 صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۳). *آسیب شناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- 0 طالبان، محمدرضا (۱۳۷۸). *دینداری و بزهکاری در بین جوانان تهران*. تهران: اداره آموزش و پرورش منطقه ۵.
- 0 عبدی، عباس (۱۳۸۱). *نارسایی های قانون و حقوق در فرهنگ عمومی*، در *معمای حاکمیت قانون در ایران*. تهران: انتشارات طرح نو.
- 0 فخرایی، سیروس (۱۳۷۵). *بررسی میزان قانون پذیری و عوامل موثر بر آن*. دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی آذربایجان شرقی، طرح پژوهشی.
- 0 فیروزجائیان گلوگاه، علی اصغر (۱۳۸۸). *تحلیل جامعه شناختی قانون گریزی در شهر تهران*، رساله دکتری. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- 0 قاسمی، وحید (۱۳۸۳). *سنخ شناسی دانشجویان بر مبنای پدیده روابط دختر و پسر*. *فصلنامه مطالعات جوانان*. شماره ۷.
- 0 قدیری اصلی، باقر (۱۳۷۶). *سیر اندیشه اقتصادی*. تهران: انتشارات دانشگاه.
- 0 کرایب، یان (۱۳۷۹). *نظریه اجتماعی مدرن؛ از پارسونز تا هابرماس*. ترجمه: عباس مخبر. تهران: انتشارات آگه.
- 0 کریمی، یوسف (۱۳۸۴). *روان شناسی اجتماعی، مفاهیم، نظریه ها و کاربرد*. تهران: نشر اسبازان.

- 0 کوزر، لیوئیس (۱۳۸۶). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- 0 کیوستو، پتر (۱۳۸۶). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: انتشارات نی.
- 0 لیتل، دانیل (۱۳۸۱). *تبیین در علوم/ اجتماعی*. ترجمه: عبدالکریم سروش. تهران: موسسه فرهنگی- صراط.
- 0 محمدپور، احمد (۱۳۸۹). *روش در روش*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- 0 محمدپور، احمد (۱۳۹۰). *روش تحقیق کیفی، ضدروش ۱، منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- 0 محمدپور، احمد (۱۳۹۰). *روش تحقیق کیفی، ضدروش ۲، مراحل و رویه‌های عملی در روش- شناسی کیفی*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- 0 معیدفر، سعید (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*. تهران: انتشارات سرزمین‌ما.
- 0 ممتاز، فریده (۱۳۸۱). *انحراف/ اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- 0 *نظرسنجی از مردم تهران درباره رعایت قانون* (۱۳۷۳). مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه- های صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران.
- 0 *نظرسنجی از مردم تهران درباره چگونگی رعایت قانون* (۱۳۷۴ الف). مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران.
- 0 *نظرسنجی از مردم تهران درباره چگونگی رعایت قانون* (۱۳۷۴ ب). مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران.
- 0 *نظرسنجی از مردم تهران درباره میزان قانون‌پذیری و چگونگی رعایت قانون* (۱۳۷۷). مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران.
- 0 ولد، جرج و دیگران (۱۳۸۰). *جرم‌شناسی نظری*. ترجمه: علی شجاعی. تهران: انتشارات سمت.
- 0 Akers, Ronald L (1991). Self-control as a general theory of crime. *Journal of Quantitative Criminology*.
- 0 Beirne, Piers and James Messerschmidt (1995). *Criminology*. Harcourt Brace & Company. United States of America.
- 0 Carstairs, Catherin (2002). *Becoming a "Hype": Heroine Consumption Sub Cultural Formation and Resistance in Canada, 1945- 1961*. www. Proquest.com (accessed 29 January 2010).
- 0 Charmaz, K (2003). *Grounded theory: Objectivist and constructivist methods*. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (eds), *Strategies for qualitative inquiry* (2nd ed., pp. 249-291) Thousand Oaks, CA: Sage.

- 0 Gottfredson, Michael R. & Hirschi, Travis (1990). *A general Theory of Crime*, Stanford: Stanford University Press.
- 0 Gilgun, J. F. (2002). *Conjectures and refutations: Governmental funding and qualitative research*. *Qualitative Social Work*, 1 (3), 359-375.
- 0 Glaser, BG (1978). *Theoretical Sensitivity: Advances in the methodology of Grounded Theory*, Sociology Press.
- 0 Hirschi, Travis (1969). *Causes of delinquency*, Berkeley and Los Angeles, University of California Press.
- 0 Hebdige, Dick (1979). *Subculture. The meaning of style*. London, Methuen.
- 0 Horton, Paul B. and Chesyer L. Hunt (1987). *Sociology*. Singapore: McGraw-Hill.
- 0 Levine, J. M (1980). *Reaction to opinion deviance in small group*. In P. B. Paulus (Ed), *Psychology of group influence*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- 0 Merton, Robert (1971). *Social Structure and Anomie*. in *Mass Society in Crisis*, Bernard Rosenberg, Israel Gerver and William Howton, New York, Macmillan Company.
- 0 Patton, Michael Quinn (2002) *Qualitative Research & Evaluation Methods*. London: Sage Publisher.
- 0 Peterson, R, D, Wunder, D, F and H, L, Mueller (1999). *Social Problems*, United State, Prentice Hall.
- 0 Siegel, Larry, J (2007). *Criminology: Theories, Patterns and Typologies*, Thomson Wadsworth, Canada.
- 0 Siegel Larry and Joseph Senna (1977). *Juvenile Delinquency*. New York: West Publishing Company.

